استانداري كرمان؛

سي گفتار درباره كرمـان (مجموعـه سـخنرانيهاي هـشتمين كنگـره تحقيقـات ايراني)، بكوشش محمد رسول دريا گشت، كرمان، ٢٥٣٦.

انتشارات استانداري كرمان

سي‌گفتار درباره كرمان

از مجموعه سخنرانيهاي هشتمين كنگره تحقيقات ايراني

كرمان

٢٥ ـ ٣٠ شهريور ٢٥٣٦

بكوشش

محمد رسول دريا گشت

سيركان (در حدود پارس) و شهر بم، آب و هوا لطيف، انهار و اشجار زياد، انـواع مختلف ميوه فراوان، خرما و انجير بسيار، مزارع گسترده و مواشـي وافـر اسـت. توتيـاي كرمان نيز شهرت دارد. در زمان شاهان ساساني، ششصد بار توتيا در كرمـان بـه دسـت مي‌آمد، بعدها اندكي كمتر شد.

گواشير. شهر گواشير، دارالملك كرمان است كه بردشير نيز مـي‌گوينـد. شـهري است واقع در نود و پنج درجه طول و بيست و نه و نيم درجه عرض. بناي قلعه شـهر را به اردشير بابكان نسبت داده‌اند، اسم شهر نيـز بـه وي منـصوب اسـت. گـشتاسب هـم آتشكده‌اي در آن بنا كرده بود. در سمط‌العلي مسطور است كه حجاج براي گشودن اين شهر سپاهي فرستاد، فتح ميسر نشد، سپس در عهد عمربن عبدالعزيز گشوده شد و بـه فرمان عمر جامع عتيقي در آن بنا گرديده. اميرعلي بن‌الياس نيز بـاغ سـيرجان و قلعـه كوه را احداث كرد. تورانشاه سلجوقي هم مسجد معـروف بـه حجـامع تبريـزي را بنيـاد نهاد. شاه شجاع كرماني و نعمت الله ولي از اكابر صوفيه در اين شهر مدفونند.

بم . در نود و پنج و نيم درجه طول و سـي و نـيم درجـه عـرض، در دو منزلـي گواشير واقع شده است شهري است با آب و هواي ناسازگار و حصاري متين. در سه جـا نماز جمعه برگزار مي‌شود. يكي در مسجدي كـه در نزديـك بـازار واقـع شـده اسـت و مسجد خوارج ناميده مي‌شود و ديگر مسجدي كه متعلق بـه اهـل سـنت اسـت و سـوم مسجدي كه در داخل قلعه است و صدقات مسلمانان در آن نگهداري مي‌شود.

جيرفت. در طول و عرض نزديك به بم است. شهري است مجمع تجار و ارزانـي. اسفي نيز مي‌گويند، در شرق سـيرجان قـرار گرفتـه، گـردو و تـرنج همزمـان برداشـت مي‌شود، تمام مزارعش به وسيله انهار آبياري مي‌گردد. در موقع گشوده شدن به دسـت مسلمانان، محـل ايـن شـهر جنگـل بـود. سـپاهيان اسـلام درختـان را قطـع كردنـد و روستاهائي ساختند و هر كدام را به نام باني آن نامگذاري كردند. آبش از ديو رود است، هوايش گرم و خرما و ترنجش فراوان است.

سيرجان. سيرجان در طول نود دو و نيم درجه و عرض بيست و نه‌و نـيم درجـه واقع شده است. بزرگترين شهر كرمان است. در داخلش راهابهاست. بناهايش بـه علـت كمي چوب همه گلي و گنبددار است. در

محلات بم عبارتند از: مهداب، عيش‌آباد، باغ خان، سرآسياخان، ده‌شتر، نـارتيج، بيدران، دارستان كه اغلب اين محلات امروز جزو شهر هستند.

يكي از نواحي سرسبز و خوش آب و هواي بم دارزين است كه از سـوي كرمـان در شش فرسنگي بم قرار دارد، مولف عقدالعلي درباره اين آبادي گويد:

"روزي با مجدالدين ناصح وزير ملك دينار و يكي از معاريف شهر نشسته بـوديم، از هر طرف كه خط شعاعي مي‌رفت مزارع متسق و انهار مطرد و صحراي سبز و زراعـت بود فارسي سوگند ياد نمود با اينكه فارس را نصف‌العالم گويند و به نزهـت و طـراوت و ارتفاع حاصل مشهور است هيچ ناحيتي از آنجا را چون ايـن زمـين بـا نزهـت ريـاض و صفاي حياض و كثرت منال نديده‌ام." زمين بم هيچوقت بدون محـصول نيـست مولـف عفدالعلي نوشته "چشم روزگار در هيچ موسم بم را بي‌ارتفاع نديده".

اين شهر از زمان ساسانيان در بافتن پارچه‌هاي دستي شهرت داشته امـروز هـم در آنجا پارچه‌هاي دستي مي‌بافند، راسو از حيوانات اهلي بم هست كه به درختان خرما و محصول باغها صدمه مي‌زند، اهالي انرا موش خرما مي‌گويند، بلبل‌هاي خوش رنگ در خانه‌ها و باغهاي بم وجود دارد كه تقريباً اهلي هستند و به آنها بلبل خرمائي مي‌گويند، در چند كيلومتري بم قريه آبادي است كه آنرا براء مي‌گويند و مجموعه آباديهاي اطراف آنرا بروات خوانند، قنات آب بزرگي با ماهي فراوان دارد، در نزديكي برا معدن خاك زرد وجود دارد كه اهالي براي رنگ عمارات از آن استفاده مي‌كنند، خرماي براء به لطافـت و درشتي مشهور است.

نرماشير

در شش فرسنگي جنوب شرقي بم صحراي وسيعي است به نام نرماشـير کـه در قديم آباديهاي زياد در آن وجود داشـته ولـي امـروز بيـشتر قنـات‌هـاي آن خـشکيده، نرماشير شهري بوده که اردشير بابکان آنرا بنا نهاده و بعداً خراب شـده، خرابـه‌هـاي آن امروز به چغوك آباد مشهور است (در کرمان به گنجشك چغوك مي‌گوينـد) و کلمـه‌اي است فارسي از آباديهاي معروف نرماشير رحمت‌آباد ريگان است که مرحوم سردار مجلل عامري آباد کرده و باغي دلگشا در آن به وجود آورده، شاهنشاه فقيد رضاشـاه کبيـر در مراجعت از سفر بلوچستان به دعوت مرحوم سردار مجلل به ريگان تشريف فرمـا شـدند هنگام ورود فرموده بودند. "عامري در جهنم بهشت ساخته‌اي" عرض کـرده بـود قربـان پيشکش. فرموده بودند آنرا به فرزندت امان‌اله بخشيدم. هواي نرماشير گرم است و چون زمين صحراي آن ريگزار است حيوان سواري مناسب بلکه بهترين وسيله نقليـه جمـازه است که در ريگها به سرعت حرکت مي‌کند، بيشتر قبائل بلوچ از آن براي سفر اسـتفاده مي‌کنند، بين برج معاز و ريگان زمين به پستي مي‌گرايد و در حـدود ۲۰۰ متـر پـست مي‌شود و به زبان محلي اين ناحيه را افزار مي‌گويند، محصول نرماشـير، حنـا و رنـگ و کنجد و غلات و برنج است، در زمان قديم ابريشم هم بـه دسـت مـي‌آمـده، نرماشـير از سمت مغرب به نصرت‌آباد محدود است که در قديم اسپهکه نام داشته، فهـره يـا فهـرج بين راه نرماشير به نصرت‌آباد قرار گرفته، از آباديهاي معروف نرماشير کروك اسـت کـه خانه‌هاي آن به صورت کپر است، يکي از قراء قديمه آن نعيم آبـاد اسـت کـه بـه قـول مرحوم وزيري مولف جغرافياي کرمان "زنان خوش صورت دارد" علت زيبـائي آنـانرا اثـر آب و هوا دانسته است، درختان جنگلي اين نواحي، گز، کهور، کنار است بيشتر سـدري که مصرف مي‌شود از برگ درختان کنار اين ناحيه است.

گز انگبين هم دارد کـه شـورمزه اسـت، تنـگ زرنـاغ بـين نرماشـير و جيرفـت نرگس‌زاد است در زمستان نرگسهاي پنج پر و صد پر شکفته مي‌شوند و فـضا را معطـر مي‌سازند.

(راين)

در جنوب شرقي كرمان بين ماهان و بم بخش وسيعي است به نام رايـن بنـا بـر نوشته وزيري "باغستاني فسيح، مرغزاري نزه و بـديع اسـت، آبـش بـا سلـسبيل بـرادر، هوايش با فردوس برابر، همه نواحي اين بلوك ييلاق است جـز تهـرود كـه هـوايش بـه گرمي مايل است".

تهرود و ابارق از آباديهاي اين ناحيه در سر راه كرمان به بم قـرار گرفتـه‌انـد، در تهرود دائماً باد مي‌وزد، سر پرسي سايكس در كتاب خود از قول اهالي محل نوشته كـه از باد پرسيدند خانه تو كجاست؟ گفت در تهرود، گاهگاهي هـم در ابـارق دور ميـزنم و علت آنرا دره عميقي دانسته كه بين دو كوه قرار گرفته، در تـه دره هـوا گـرم و سـبك مي‌شود و بالا مي‌رود، هواي سرد بالا به پائين مي‌آيد و به ته دره فشار وارد مـي‌آورد بـه اين ترتيب جريان دائمي باد به وجود مي‌آيد باد منجيل نيز همين حالت را دارد، انگـور و شراب راين معروف است و ضرب‌المثل شده كه مي‌گويند: "مگر شراب رايـن اسـت يـا زعفران قاين؟"

صنعت آهنگري راين در قديم اهميت داشته و چاقوهاي بـسيار عـالي و اسـلحه خوب مي‌ساخته‌اند، امروز هم صنايع دستي آهنگري وجـود دارد، كـوه مرتفـع مـزار در مجاورت راين است نمكزار وسيعي هم دارد (هرجا نمكزار باشد احتمال وجود نفت هـم هست در بيشتر نواحي كرمان نمك و نمكزار هست) نتيجه منطقي آن معلـوم اسـت تـا عملي چه باشد؟ در كوه هزار انواع درختان جنگلي، بنه، بـادام، ارچـن وجـود دارد بنـه پسته ريزي است كه آنرا پيوند مي‌زنند و پسته متوسطي بدست مي‌آورنـد و در نـواحي گرمسير كوشتان پسته ريزتري به نام كسور بدست مي‌آيد كه قابل شكستن نيـست بـه همين جهت آنرا در هاون مي‌كوبند و با آب مخلوط مي‌كنند و از صافي عبور مـي‌دهنـد تا پوستش گرفته شود اين مايع چرب معطر و مقوي را با آب انار مخلوط مي‌كننـد و بـا نان مي‌خورند، نوع بادام كوهي اگر تلخ باشد مغز آنرا در آب مي‌جوشـانند و تلخـي آنـرا مي‌گيرند و مغزها را خشك مي‌كنند و به آن مغزو مي‌گويند زيـرا مغزهـاي آن از بـادام معمولي كوچكتر است.

ساردويه

ساردويه در شمال جيرفت و مشرق بافـت قـرار دارد و همـانطور كـه از اسـمش پيداست هوايش بسيار سرد است به طوري كه زمستان كسي در آنجا نمي‌ماند و اهـالي به جيرفت مي‌روند مرحوم وزيري مولف جغرافيا نوشته: در برج سرطان (تيرماه) به آنجا مسافرت كـردم در چـادر بـا دو لحـاف مـي‌خوابيـدم سـرما اذيـت مـي‌كـرد، سـاردويه چمنزارهاي وسيع دارد توابع آن، كور، هنزا، سرمشك و درفـارد اسـت، هـواي روسـتاي اخير به علت نزديكي به جيرفت گرمتر است، از كوههاي بهر آسـمان و رمـان و بـارچي ولري چشمه‌سارهاي زياد به سمت ساردويه جاري است و زراعـت فـراوان اسـت معـدن مس بهر آسمان به خوبي و فراواني مشهور است، در كوههاي اين نواحي خرس سـياه و بز كوهي وجود دارد و درختان آن بيشتر بادام، بنه، كهكم است.